

استراتژی امنیت نرم در جامعه

پس از پایان جنگ سرد اندیشمندان حوزه‌های استراتژیک در استدلال‌های خود تلاش می‌نمودند...



پس از پایان جنگ سرد اندیشمندان حوزه‌های استراتژیک در استدلال‌های خود تلاش می‌نمودند با ترسیم فضای آینده جهان، روش‌های مختلفی را برای حفظ قدرت کشورهای غربی با تغییر روش‌های گذشته پیشنهاد نمایند.

در اکثر اظهار نظرهای اندیشمندان آن روزهای حوزه سیاست ادامه روند سنتی (کاربرد نیروهای نظامی) برای حفظ قدرت اشتباه دانسته شده است. به طور مثال پال راجرز در کتاب زوال کنترل می‌نویسد: به دلیل تغییرات اساسی بوجود آمده در جهان باید پارادایم امنیتی غرب تغییر کند. لذا به کارگیری واژه قدرت نرم از آن زمان متداول شده و واژه‌هایی از جنس قدرت اقناعی در نوشته‌های گالبرایت، قدرت هژمونیک در نوشته‌های گرامشی و فوکو را می‌توان شاهدان خوبی برای این ادعا قلمداد نمود.

به گفته جوزف نای قدرت نرم ستون سیاست‌های دموکراتیک روزانه است و حتی در حوزه نظامی هم این قدرت نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. در اندیشه جوزف نای قدرت نرم و سخت از همدیگر قابل تفکیک هستند. هر چند از سال 2001 با فرو ریختن برج‌های دوقلو در آمریکا و هجوم همه‌جانبه این کشور به خاورمیانه به بهانه مقابله با تروریست تاکنون عملاً شاهد بروز و ظهور هژمونی سخت آمریکا در منطقه بوده‌ایم، اما متولیان امر سیاست در آمریکا کماکان از ایده اسلاف خود مبنی بر به کارگیری قدرت نرم غافل نشده و حداقل تاکنون در مورد جمهوری اسلامی ایران با اقدامات مختلف از جمله کمک‌های مالی و روانی به اپوزیسیون داخل و خارج ایران، تلاش برای اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر علیه ایران و... تلاش نموده‌اند رقیب فرهنگی و اعتقادی خود را در خاورمیانه تضعیف نمایند.

رژیم صهیونیستی نیز به عنوان مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه تلاش نموده است با روش‌های مختلفی در بالا بردن قدرت منطقه‌ای هم‌پیمانش سهیم باشد، به طوری که از زمان مسوولیت ژنرال ایتان بن الیاهو به عنوان فرمانده نیروی هوایی این رژیم، شاهد دگرگونی جدیدی مبنی بر انجام مانورهای مشترک با کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در رأس برنامه‌های نظامی این رژیم غاصب می‌باشیم.

بی‌شک مهم‌ترین هدف این مانورهای نظامی علاوه بر افزایش آمادگی نظامی این رژیم در برخورد احتمالی با ایران مقدمه‌ای برای به رخ کشیدن قدرت نظامی سردمداران‌شان در منطقه برای پیروزی در جنگ نرم با ایران است. در عین حال جمهوری اسلامی ایران که از ابتدای انقلاب تاکنون توانسته از کوران‌های سخت سربلند بیرون بیاید، به راحتی میدان را در اختیار رقیب قرار نخواهد داد. بی‌شک آنچه نیاز امروز جامعه ما است تکیه بر دگرگونی امنیتی نرم به منظور مقابله با جنگ نرم دشمن است. برای این منظور باید احساس امنیت را در جامعه افزایش داد.

کوفتن بر طبل ناامنی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... که امروز گفتمان غالب برخی جریان‌های معاند است، متأسفانه گاه به واسطه عدم آگاهی از فضای کلان پیش‌روی نظام توسط برخی جریان‌های خودی نیز مطرح می‌شود، اگرچه اغلب اظهار نظرهای خودی‌ها، جنبه آگاه‌سازی و حل مشکل را دارد اما بعضاً خلط مباحث علمی و از سر دلسوزی با مسائل سیاسی مانع از نتیجه مثبت انتقادات شده و بار روانی منفی را در جامعه ایجاد می‌کند.

آنچه به عنوان یک افتخار در تاریخ بیش از 30 ساله انقلاب می‌توان از آن یاد کرد، پیشبرد اهداف متعالی نظام با همراهی مردم بوده و هست، لذا تمامی اقدامات صدرالذکر از دشمنان داخلی و خارجی نظام تا مادامی که پشتوانه مردمی انقلاب حفظ گردد، اثری که منتج به نتایج ناگوار برای انقلاب شود نخواهد داشت.

لذا به نظر می‌رسد آنچه امروز در مسائل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، علمی و... باید بعنوان استراتژی مسوولان و دلسوزان نظام در نظر گرفته شود، ترویج گفتمان امنیت‌سازی در فضای جامعه است و بس.

جام جم آنلاین